

باقی سمندر

چهاردهم فبروری سال دوهزار وچهاردهم میلادی
بیست وپنجم دلو سال یک هزار و سه صد ونود ودوخورشیدی
کابل - افغانستان

پانزدهم فبروری سال 1989 بوریس گروموف یا آخرین فرمانده قوای اشغالگر شوروی افغانستان را ترک گفت

فردا در کابل و افغانستان پانزدهم فبروری است واکنون همه در خواب عمیق فرورفته اند ومن این جملات رابه وقت کابل پانزدهم فبروری نام میدهم. در پانزدهم فبروری سال 1989 بوریس گروموف یا آخرین فرمانده قوای اشغالگر شوروی افغانستان را ترک گفته

و از پل حیرتان گذشت و پا به ترمز گذاشت.

وبیست وشش سال از آن روز میگذرد . من در این جا آرزو دارم تا با علاقمند ان خاطرات و یاد داشتهای گروموف را باهم بخوانیم و ازآغازاین بخش از علل تجاوز شوروی و علل و انگیزه های ایادی و دست پرورده گان آن بازهم آشنا شویم اینکه چه درسهایی از گذشته گرفته ایم وخواهیم گرفت ، آنرا به سلیقه و برداشت های خواننده های گرامی میگذارم . حتما" از خود خواهیم پرسید که قوای امریکائی و ناتو و متحدین چگونه و به چه بهانه ای آمدند و چگونه و چه وقت خواهند رفت و بعدا" چه خواهد شد؟

گروموف در کتاب ارتش سرخ در افغانستان نوشت:

"جنگ کبیر میهنی{ جنگ جهانی دوم } چهار سال به درازا کشید ولی برای آنکه تاریخ فراگیر و مهمتر از همه واقعی آنرا نگاشت، برای پژوهش گران نیم سده هم کافی نبود .

شاید برای تجزیه و تحلیل حضور نیروهای شوروی در افغانستان که بیش از نه سال دوام یافت ، نیز کمتر از این زمان بسنده نباشد. پیرامون سالهای اندوهبار جنگ جهانی دوم ، از لابلای کتابها و روایتها چیزهای بسیاری خوانده و شنیده بودم ولی دست سرنوشت مرا به دامن جنگ دیگری افکند که کمتر خشونت بار تر از آن جنگ نبود. برای نخستین بار ، پانزدهم ماه فروری 1989 درست پی از پایان خروج نیروهای شوروی از افغانستان بمن پیشنهاد کردند تا کتابی در این مورد رابه رشته نگرش بیاورم. پس از آن هم چند پیشنهاد دیگر از این دست برایم رسید. من بادقت آنچه راکه در این باره به نشر میرسید را مطالعه کردم ، و در بیشتر موارد به این باور رسیدم که این آثار توسط اشخاص احساساتی نگاشته میشوند ، تا اشخاص باصلاحیت. شاید هیچ کسی حقیقت جنگ افغانستان و پایدردی سپاهیان شوروی را نتواند همانند کسانی که خود در آن سرزمین جنگیده اند ، بازگو نماید . همین اندیشه مرا واداشت تا پیرامون رخدادهاییکه خود در آن حضور داشتم ، مطلب بنویسم"

{بوریس گروموف 1}

خواننده های ارجمند!

بوریس گروموف هم در مورد حقیقت جنگ افغانستان و هم در مورد " پایدردی سربازان شوروی " اشغالگر سخن گفته است و برمن است تا به مثابه فرزند سرزمین افغانستان در مورد پایدردی مردم افغانستان و فرزندان مام میهنم در مقاومت بزرگ میهنی برضد قوای اشغالگر شوروی که آن مقاومت میهنی دوبرابر زمان جنگ دوم جهانی ادامه یافت تا قوای اشغالگر شوروی سرزمین ما را ترک گفت ، چیزی بنویسم و از همه نویسندگان شرافتمند سرزمین کوهپایه های هندوکش خواهشمندم تا هرچه آنچه در توان دارند بدون مسامحه بنویسند و این بخش تاریخ افغانستان را روشن تر بنگارند تا هموطنان ما بتوانند درسهای لازم از مقاومت و نبرد ضد تجاوزگران را بخاطر بسپارند و در موقع ضرورت از ان استفاده معقول بنمایند.و بتوانیم تمام سوء استفاده هایی را که تا هم اکنون از خونهای ریخته شده مردم ما صورت گرفته است و میگیرد، یکایک شناسائی کرده و برملا سازیم. جنگ ای که بگفته بوریس گروموف نه سال دوام کرد و کمتر از جنگ دوم جهانی آن خشونت بار تر نبود ، حتما" آغازی داشته است و پیامد هایی نیز.

بوريس گروموف نوشته است که:

"گسيل يگانهای رزمی در اواخر سال 1979 به افغانستان یکی از نقاط عطف سياست خارجی اتحادشوروی طی تمام ساليان پس از جنگ کبيرمیهنی به شمار ميرود. آنانی که خود در نشست های دفتر سياسی کمیتهء مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پيرامون وضعیت در افغانستان حضور داشتند، اکنون در این باره لب به سخن نمی گشایند که چگونه در بارهء اعزام سپاهیان شوروی به افغانستان تصمیم گیری شد ؟

آن هنگام برپایهء کدامين معیارهايا اوضاع پديد آمده در افغانستان ارزیابی می گردید؟

چه کسی در نهایت امر، گناه کشته شدن هزاران نظامی شوروی را که نه به خواست خود ، خویشان را به سرزمین بیگانه یافتند و در نبرد های سهمگین رزمیدند، به گردن دارد؟

وسعت تشنج در منطقهء جنوب خاوری آسیا و از دست رفتن مواضع اتحادشوروی در صحنهء سياست خارجی بروجدان چه کسانی سنگینی میکند ؟ چنین برمی آید که رهبران سياسی شوروی تصميم مبنی بر استقرار واحد های نظامی در افغانستان را بر پایهء اطلاعاتی اتخاذ کردند که به گونه منظم از طریق نهاد های گوناگون و در گام نخست از وزارت خارجه به دست می آوردند . همچنان گزارشهای مستشاران حزبی و نظامی افسران ک گ ب { کمیته امنیت دولتی اتحاد شوروی } که در افغانستان کار میکردند و به " میدان قدیم" سرازیر میگردد. تا چه اندازه اطلاعات ، برداشت هاو توصیه های آنان با رویداد های واقعی افغانستان ، وضعیت حزب دموکراتیک خلق و نیروهای مسلح آن کشور مطابقت داشت ؟

پیامد های عملکردهای رهبران شوروی، به ویژه گسيل سپاهیان شوروی به افغانستان پیشگوئی گردیده بود؟

کشور ما ویژه گی های خودش را دارد. یکی از ویژه گی ها اینست که چهره واقعی رجال سیاسی و دولتمردان تنها پس از مرگ آنان ، انهم پس از سالیان دراز روشن میگردد. آدمها دوست ندارند راز های سر به مهر خود شان را فاش بسازند. بر این بنیاد میتوانیم پیش بینی نماییم که راز سر به مهر اتخاذ تصمیم مبنی بر اعزام سپاهیان شوروی به افغانستان را ما به این زودیهها نخواهیم دانست . لغزشهای گذشته را در نظر بگیریم و تلاش ورزیم تا انها در آینده تکرار نگردند. به پندار من اسناد برگرفته از آرشیو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیشین که برای نخستین بار در این کتاب چاپ میگردند، به تبصره ها و تفسیرهای بیشتری نیاز دارند. استینو گرام ها ی نشستهای دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب ، نوار های گفتگو ها و مدارک دیگری که از دیر زمانی سر به مهر نگهداشته شده اند، خود تصویر بسیار روشنی از رویداد های گذشته ای نه چندان دور دست خواهند بود." {2}

داستان کوتاه ای حزب دموکراتیک خلق:

بوریس گروموف نوشته بود که:

"از آغاز سال 1965 در کشور حزب دموکراتیک خلق افغانستان فعال بود..... هنوز دو سال از کنگره موسس نگذشته بود که شاخه های "خلق" و "پرچم" به گونه نهائی آرایش یافته و به رویارویی چندین دهه ای باهم پرداختند. درگیریهای جناحی به میزانی خشونت آمیز بود که حتی مستشاران حزبی شوروی هم نتوانستند به آن پایان بخشند " {3}

"دورنمای انقلاب افغانستان " حتی از آغاز وقوع آن یعنی بیست و هفتم آوریل سال 1978 روشن بود... رژیم تازه کابل "محکوم به پیروزی " بود و حق نداشت باحکومت نظربه دلایل زیر وداع گوید:

انقلاب در هیچ کشوری تا زمانی که اتحاد شوروی وجود داشت ، نمیتوانست ناکام گردد. این امر بنوبه ء نخست شامل کشورهای هم مرز با اتحاد شوروی میگردد. تحول اوضاع در افغانستان می بایست بار دیگر نشان میداد که به رغم تاکیدات غرب ، اندیشه های کمونیستی ، کار آئی ها و توانائی های خود را کاملاً" از دست نداده اند... آنچه که در آوریل 1978 در کابل روی داد ، می توانستیم به مثابه پیروزی استراتژیک اتحاد شوروی در منطقه ارزیابی کنیم. افزون بر آن موجودیت رژیم هوادار شوروی در افغانستان به مثابه برهان قاطعی میبود که نشان میداد تمایل دولتهای غربی مبنی بر تاثیر برکشورهای " جهان سوم" می تواند به محدودیت های شدیدی منجر گردد...

رهبران سیاسی افغان در بسیاری موارد باهم همانند اند. بسیاری از آنان زادگان پدران و مادران پولداری اند که زندگی خویش را در محیط اشرافی گزرانده اند. شماری زیادی از آنان در یک لیسه آموزش دیده اند و یک دیگر را از کودکی میشناسند. مبارزه ء بی امان به خاطر رسیدن به قدرت آنان را به جناح های گوناگون پراکنده و آشتی ناپذیر گردانیده است. از این دیدگاه وقایع آوریل 1978 را میتوان به مثابه پیروزی یگ گروه بر گروه دیگر ارزیابی کرد. هواداران نورمحمد تره کی که در جناح " خلق" گرد آمده بودند ، پس از رسیدن بقدرت ، ناگذیر بودند در دو جبهه به مبارزه پردازند. از یکسو آنان نمی توانستند اجازه بدهند تا از پشت سر از سوی همزمان خویش در حزب دموکراتیک خلق مورد شبیخون قرار گیرند و از سوی دیگر سرنگونی دولت انقلابی زیر فشار مخالفان برای ایشان تحمل ناپذیر بود. در بهار سال 1979 کاملاً" روشن گردید که در افغانستان به مفهوم واقعی کلمه جنگ داخلی در گرفته است. پانزدهم ماه مارس در استان هرات ، خیزشهای دولتی که در آن نمایندگان عشایر پشتون بسیار فعال بودند ، آغاز گردید. نیروهای توپچی و پدافند هوائی لشکر هرات نیز به پشتیبانی از شورشیان هرات برخاستند. شورش به 20 ماه مارس سرکوب گردید." {4}

نگاهی به اسناد محرمانه و جلسه های درونی و در بسته و تلیفون های تره کی امین و گرومیکوو کاسیگین و: ..

"اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی به تاریخ 17 مارس در ساختمان کمیته مرکزی " خارج برنامه " { یعنی در جلسه فوق العاده و اضطراری .

تذکر از ب. س. { گرد هم آمدند... بریژنف ضمن گفتگوی تلفونی با کریلینکو { عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی _ م { از خانه بیلاقی خود ، گفت:

این موضوع هیچ تاخیری را روا نمیدارد ، من همین فردا می آیم".

"خیلی محرمانه در یک نسخه

"گرومیکو:

برپایه آخرین گزارشهایی که ما از افغانستان چه به شکل رمز و چه از طریق گفتگو های تلفونی با مستشار ارشد نظامی خود رفیق گوریلوف و کاردار سفارت ، رفیق الکسی اوف به دست آورده ایم ، اوضاع در افغانستان به شدت وخیم گردیده است و اکنون استان هرات در مرکز ناآرامی ها قرار دارد. در هرات به گونه ای که از تلگرامهای پیشین بر می آید، لشکر 17 ارتش افغانستان مستقر است. اکنون اطلاع گرفته ایم که این لشکر از هم پاشیده است. نیروی توپچی و بخشی از نیروهای پیاده که در ساختار این لشکر شامل بودند، به جانبداری از شورشیان برخاسته اند..."

"تخمین شمار شورشیان دشوار است ، اما رفقای ما میگویند که سر به هزاران میزنند، درست هزاران..."

کریلینکو

درست همین طور... فشرده اینکه نظر به گزارش امین، رهبری افغانستان در رابطه با این رویدادها هیچگونه ناراحتی احساس نمیکند.

گرومیکو

آری امین حتی گفت که اوضاع افغانستان عادی است . او گفت که هیچ سرکشی ای از سوی استانداران گزارش نگردیده است. اما در واقعیت ، به گونه ایکه رفقای ما گزارش میدهند، اوضاع در هرات و برخی از جاها پرتنش است.

تدبیرهایی را که ما برای افغانستان اتخاذ کرده ایم ، در پیشنهادهایی که در دست دارید ، بازتاب یافته اند . می خواهم بگویم که ما برای پاسداری از مرزهای افغانستان ده ملیون روبل { معادل پانزده ملیون دلار } دیگر اختصاص داده ایم { 5 }

نگاهی به گزارش دادن دو نظر پنهان و پوشیده در کمیته مرکزی شوروی و دولت خلقی هاو پرچمی ها و شورش و سرکوب نمودن شورش هرات در 24 حوت 1357:

کریلینکو گفته بود که " .. نظر به گزارش امین ، رهبری افغانستان ، در رابطه به این رویدادها هیچ گونه ناراحتی احساس نمیکند.

گرومیکو : آری ، امین حتی گفت که اوضاع افغانستان عادی است . او گفت که هیچ سرکشی ای از سوی استان داران گزارش نگردیده است....

از امین پرسیدم – شما کدامین ناخشنودی را از سوی کشور همسایه و یا ضد انقلاب داخلی، روحانیون و مانند اینها انتظار ندارید؟ امین قاطعانه پاسخ داد- نه . برای رژیم تهدیدی وجود ندارد. در پایان خواهش کرد تا درود های او را به اعضای دفتر سیاسی به ویژه ال.ای. بریژنف برسانم . این بود گفتگوی امروزی من با امین.

سه ساعت بعد ، از رفقای خود اطلاع گرفتیم که در هرات نابسامانی های رخ داده است. یک هنگ توپخانه . یک هنگ پیاده به روی مواضع خودی آتش گشوده و به شورشیان پیوسته اند. در نتیجه بخشی از لشکر 17 به دولت وفادار مانده که از هرات پاسداری میکنند.....نیم ساعت دیگر ماباز هم از رفقا اطلاع گرفتیم که رفیق تره کی ، مستشار ارشد نظامی، رفیق گوریل اوف و کاردار سفارت رفیق الکسی اوف را نزد خود فراخوانده است. موضوع گفتگو از چه قرار بود؟ مقدم بر همه او از اتحاد شوروی در زمینه تهیه جنگ افزار ، مهمات و خوار وبار کمک خواست، چیزی که ما در اسناد ارائه شده به دفتر سیاسی ، برای بررسی در نظر گرفته ایم. آنچه به کمک نظامی مربوط میگردد.

تره کی به گونه ضمنی گفت که ممکن است هم کمکهای زمینی و هم کمکهای هوایی لازم بیافتد. اینرا باید به معنی لزوم گسیل سپاهیان پیاده نظام و هم نیروی هوایی { شوروی} به افغانستان دانست. فکر میکنم که ماحین کمک به افغانستان باید به مهمترین اصل تکیه کنیم و آن اینکه تحت هیچ شرایطی نمی توانیم افغانستان را از دست بدهیم. ما الان 60 سال است که با آنان در سایه صلح و حسن همجواری زیست میکنیم. هرگاه حالا افغانستان را از دست بدهیم ، از اتحاد شوروی رو برمیگرداند و این امر ضربه شدیدی به سیاست ما وارد می آورد. البته یک روی قضیه اینست که ارتش جانبدار خلق باشدو قضیه کاملاً سیمای دیگری به خود میگیرد..... به گونه ای که رفقا گوریل اوف و الکسی اوف اطلاع داده اند ، روحیه رهبران افغان همچون تره کی چندان رضایت بخش نیست.

مارشال اوستین اوف:

من علاوه بر رفیق الکسی اوف با رفیق گوریل اوف مستشار ارشد نظامی ما در کابل همین چند لحظه پیش تلیفونی تماس گرفتم . وی گفت که رهبران افغانستان از وضع پدید آمده ناراحت شده اند. وضع به ویژه در استان هرات و نیز در استان پکتیا خراب است. چیزی که بسیار ناگوار است ، آنست که لشکر محافظ هرات نامطمئن است و فرمانده لشکر اکنون در فرودگاه شهر است ، دقیقتر اینکه با پنهان شدن در آنجا روشن است که هیچ عمل نیروهای وفادار به دولت را رهبری نمی کند.

در نظر است سپیده دم فردای 18 مارس گروه های عملیاتی به سوی هرات فرستاده شوند. ما به رفیق تره کی ارائه طریق کرده ایم برخی از یگانهارا به منطقه بروز شورش پیاده نمایند. او به نوبه خود پاسخ میدهد که دست زدن به چنین عمل دشوار است، زیرا در سایر نواحی نیز نا آرامی است. فشردهء سخن اینکه آنان چشم به راه ورود نیروهای زیادی از سوی اتحاد شوروی اعم از پیاده . . نیروی هوایی استند.

اندروپ اوف:

{رییس کاگی ب، بعد ها دبیر کل کمیته مرکزی حزب }

آنها امیدوارند که ما بر شورشیان ضربه وارد کنیم.

کریلینکو:

پرسشی مطرح میگردد مبنی بر اینکه هرگاه ما سربازان خود را آنجا وارد کنیم آنان با چه کسانی خواهند جنگید؟ با شورشیان؟ شمار زیادی از روحانیون به شورشیان پیوسته اند. این روحانیون مسلمان اندو در میان آنان {شورشیان} تعداد بسیار زیاد از مردم وجود دارند. به این ترتیب ما تا اندازه زیادی با مردم در جنگ هستیم.

الکسی کاسیگین {نخست وزیر: }

ارتش افغانستان چگونه است و چند لشکر دارد؟

مارشال اوستینوف:

ارتش افغانستان ده لشکر دارد و بیش از صد هزار است.

گرومیکو:

تا کنون توازن نیرو میان هواداران دولت و شورشیان چندان روشن نیست. در هرات وقایعی رخ داده که رویهمرفته پر تلاطم اند، زیر بیش از هزاران نفر کشته شده اند ولی انجا هم وضعیت روشن نیست.

اندورپ اوف:

البته شورشیان رخنه کرده به قلمرو افغانستان ، در گام نخست به آن می پردازند که نا آرامی به راه اندازند و مردم افغانستان را به سوی خود بکشانند.

کاسیگین : فکر میکنم باید مسوده فیصله نامه پیشنهاد شده را جدا" تصحیح نمود. به هیچ وجه درست نیست واگذاری جنگ افزار ها را تا ماه اوریل به تاخیر بیاندازیم. باید همه چیز را همین الان بدون تاخیر داد . در همین ماه مارس. دوم اینکه به گونه ای باید رهبری افغانستان را از نظر روانی حمایت کرد. من پیشنهاد میکنم تدبیرهای زیر اتخاذ گردد:

به تره کی اطلاع داده شود که ما بهای گاز را از 15 روبل به 25 روبل در ازای هر هزار متر مکعب بالا میبریم.

{یک روبل معادل 65،1 دلار امریکائی} این کار امکان میدهد با افزایش بهای گاز مخارجی را تامین کرد که برای آنان در رابطه با خرید جنگ افزار و سایر مواد ، بروز میکند. به نظر من لازم است ، این جنگ افزار هارا به گونه رایگان در اختیار افغانستان گذاشت و از 25% چیزی یاد آوری نکرد".

دیگران : درست است.

کاسیگین:

سوم اینکه ما در نظر داریم برای آنان 75000 تن گندم بدهیم. من فکر میکنم که باید این مساله را مورد بازنگری قرار داد و برای افغانستان صد هزار تن گندم داد... گذشته از اینها که در اینجا نوشته شده است به ارز آزاد. کدام ارز آزاد؟

ما نمی توانیم چیزی از آنها دریافت کنیم) (*)."

مارشال اوستین اوف:

تمام آنچه که در مسوده مصوبه در باره واگذاری جنگ افزار به افغانستان نوشته شده است، همه عملی خواهد گردید ، همین حالا تحویل و ارسال آنها انجام میگیرد. متأسفانه من نمی دانم ، ایا ما خواهیم توانست تا اوریل همه چیز را تحویل بدهیم ؟ این کار خیلی دشوار خواهد بود. من خواهش میکنم در رابطه به تحویل جنگ افزار ها، مصوبه به طوری که اینجا آمده است ، تصویب گردد. آنچه مربوط به پرداخت بهای این جنگ افزار ها میگردد ، ان را حذف میکنیم.

کاسیگین : همه چیز باید بی درنگ تحویل داده شود. درست از همین فردا.

مارشال اوستین اوف:

خوب ما اینکار را میکنیم و حتی کنترل هم میکنیم که فردا تحویل شوند.

کیریلینکو:

جنگ افزار ها باید در ماه مارس تحویل داده شوند.

کاسیگین:

...من میخوام این موضوع را مطرح نمایم:

هرچه که بگویید ، هم تره کی و هم امین واقعیت امر را از ما پنهان میکنند. ما تاکنون به تفصیل نمیدانیم که در افغانستان چه میگذرد؟

چگونه آنان اوضاع را ارزیابی میکنند؟ آخر آنها تا کنون منظره را با رنگهای رنگین کمان ترسیم میکنند. اما در واقعیت امر ما میبینیم که آنها آدمهای خوبی هستند، اما چیزهای بسیاری را از ما پنهان میکنند. علت آن چه است ، دانستن آن دشوار است.

من فکر میکنم ، رفیق گرومیکو که ما باید مسئله سفیر را حل کنیم. سفیر کنونی ما شخصیتی قدرتمند نیست و او آنچه را لازم است انجام نمیدهد. افزون برآن من لازم میدانم که شمار دیگر مستشاران مجرب نظامی را به افغانستان بفرستیم. بگذار بدانند در ارتش چه میگذرد؟

بعد من فکر میکنم که اتخاذ تصمیم های سیاسی لازم میباشد. ممکن است مسودهء چنین مصوبهء سیاسی رارفقای وزارت امور خارجه ، وزارت دفاع ، کا، گی، بی و شعبه امور بین المللی کمیته مرکزی حزب تدوین نمایند. روشن است که ایران ، چین و پاکستان با تمامی تدبیرها و روشها ضد انقلاب عمل خواهند کرد و برای دولت قانونی افغانستان مزاحمت خواهند کرد و کلیه کارکردهای آن را بی ارج خواهند گردانید. درست همین جا است که حمایت سیاسی از تره کی و حکومت وی لازم می افتد . البته کارتر نیز ضد رهبری افغانستان خواهد برخاست. در صورت لزوم نیروهای نظامی با چه کسانی خواهیم جنگید ؟.....

درواقعیت امرتا همین اکنون تیرباران مخالفان ادامه دارد. ایشان تقریبا تمامی رهبران نه تنها رده بالا بلکه رده متوسط گروه پرچم را نابود کرده اند.....

اوستینوف:

فکر میکنم در صورت گسیل نیرو ما نباید تحت هیچ شرایطی یگانهای رزمی خویش را با واحد ها افغانی در آمیزیم.

کاسیگین:

ما باید یگان های رزمی خود را تشکیل بدهیم، برای آنان آیین نامه تدوین کنیم و آنان را تحت فرماندهی ویژه گسیل داریم.

اوستینوف:

ما دو امکان عملیات رزمی را تدوین نموده ایم. امکان اول اینکه ما طی یک شبانه روز به افغانستان لشکر 105 هوابرد و لشکر 68 موتوریزه را در حوالی مرز مستقر بسازیم. در این صورت لشکر 5 زرهی در امتداد مرز باقی خواهد ماند. به این ترتیب طی سه شبانه روز ما برای اعزام نیروها آماده خواهیم بود. اما تصمیم سیاسی در این باره لازم است.

کرلینکو:

رفیق اوستینوف مساله را درست مطرح میکند. برای ما لازم است تا در مقابل شورشیان اقدام کنیم. در سند نیز باید در این باره به گونه ء مشخص گفتگو شود. افزون برآن باید بخ ترخ کی تاکید کنیم که هرگاه کار به اعزام سپاهیان ما بکشد، انگاه حل مساله به زمینه نیاز دارد. ما نمی توانیم بدون درخواست حکومت افغانستان نیروهای خود را اعزام نماییم. بگذار رفیق تره کی نیز این را بداند و در گفتگوی رفیق کاسیگین با تره کی در این باره لازم است، یک طوری مستقیم صحبت شود. افزون برآن لازم است به تره کی گفته شود که تاکتیک خود را عوض نمایند. تیرباران ، شکنجه و اعمالی از این دست را نمیتوان به مقیاس گسترده به کار گرفت. مساله مذهب ، روابط با جماعات مذهبی اهمیت بسیار دارد. باید به تره کی با قاطعیت گفته شود که نباید دست به عمل غیر مجاز بزنند. اسناد را لازم است همین فردا آماده کرد . فردا ما با لئونید ایلچ (بریزنیف) مشورت میکنیم. که این کار را چه گونه بهتر میتوان انجام داد.

اندروپ اوف:

در هرات بیش از بیست هزار نفر از مردم در شورش شرکت کرده اند. آنچه مربوط به مذاکرات با تره کی میگردد ، فکر میکنم بهتر است رفیق کاسیگین با تره کی گفتگو کند.....

لازم است تا ما به تدوین مصوبهء سیاسی پرداخته و در نظر داشته باشیم که احتمالا برما برچسپ تجاوز گری خواهند زد. نمی توانیم افغانستان را از دست بدهیم.

پونااماری اوف:

...انجارا ببینید که یک گروه بیست هزار نفری شورشیان پیروز میشوند . مقدم بر همه باید تمام کارهای لازم را توسط نیروهای ارتش افغان انجام داد ، بعدا هرگاه واقعا نیاز پیش بیاید، سپاهیان خود را اعزام کرد.

کاسیگین:

...هرگاه ما انجا سرباز اعزام نماییم ، بایست دلایل مقتضی را گرد بیاوریم و همه را مفصلا بحث کنیم. ممکن است کسی از رفقای مسئول برای روشن ساختن مفصل تر اوضاع در محل به افغانستان برود. شاید رفیق اوستینوف یا یک رفیق دیگر.... ما در افغانستان 550 مشاور نظامی داریم. انها باید تناسب نیرو را در ارتش بدانند.

گرومیکو:

...تنها یک موضوع روشن است- ما نمیتوانیم افغانستان را به دشمن بدهیم. چگونه به این هدف برسیم، باید فکر شود.

کاسیگین:

همه ء ما یک دیدگاه داریم : افغانستان را نباید از دست بدهیم در گام نخست باید سند سیاسی ترتیب گردد. باید کلیه ء ابزارسیاسی برای کمک به رهبران افغانستان جهت تحکیم قدرت استفاده شود. همچنان کمکهایی را عملی کرده و انجام عملیات نظامی را به مثابه اقدام نهائی می گذاریم.

.....

کریلینکو

دشواری اینجاست که بسیاری از فرماندهان را در ارتش یا باز داشت و یا تیر باران کرده اند و این امر تاثیر منفی و بزرگی برجای گزارده است.

گرو میکو:

...در هر حال باید گفت که رهبران افغانستان بسیاری از مسایل را از ما پنهان میدارند و نمی خواهند با ما راست باشند. این امر خیلی درد آور است.

اندروپوف:

به نظر من لازم است کشورهای سوسیالیستی را در جریان این اقدامات بگذاریم.

کریلینکو:

رفقا ما در این باره زیاد صحبت کردیم . دیدگاه های ما روشن است. بیایید نتیجه گیری نماییم.

1: لازم است رفیق کاسیگین کار تدوین سند ارایه شده را بر عهده بگیرد....

2- لازم است تا رفیق کاسیگین با رفیق تره کی گفتگو کند...

3- مساله تدوین سند سیاسی را با توجه به تبادل افکار در باره مشی ما در رابطه به افغانستان بر عهده رفیق گرومیکو ، رفیق اندورپوف ، رفیق اوستینوف و رفیق پونااماری اوف بگذاریم.

4- به منظور جلوگیری از مداخلات پاکستان در امور افغانستان ، باید از طریق وزارت امور خارجه با این کشور تماس گرفته شود.

5- من فکر میکنم که ما باید با پیشنهاد رفیق اوستینوف در رابطه با کمک به ارتش افغانستان در زدایش ناهنجاریهایی که با آن رو برو گردیده است، توسط نیروهای نظامی ما موافقت کرد.

9- لازم است به دقت بیاندیشیم که به الزاماتی که سایر کشورها به اتحاد شوروی وارد خواهند کرد، و ما را به این تجاوز و از این قبیل متهم خواهند گردانید ، چگونه پاسخ دهیم.

10- به وزارت دفاع اجازه داده شود تا دو لشکر را به مرز میان افغانستان عزام و سر انجام به گونه ای که اینجا پیشنهاد گردید کشورهای سوسیالیستی را از تدبیر هایی که ما اتخاذ نموده ایم ، مطلع ساخت." (6)

خواننده های ارجمند و گرامی!

اگر این اقتباس از کتاب ارتش سرخ بر شما ناخوشایند بوده باشد ، متاسفم. اما ما میبینیم که درست در سال اول کودتای هفت ثور توسط

دولت شوروی آن وقت فیصله به اعزام نیرو بخاطر سرکوب شورش بیست هزار نفری در هرات افغانستان صورت گرفته بود.و شخص بریژنیف هم رخصتی خودرا برهم زده و به ماسکو آمده بود تا بداند که رفقاییش چه باید بکنندو نکنند. در این گزارش سری دیدیم که کشتار دسته جمعی در افغانستان را شوروی میدانست ولی طرفدار تغییر تاکتیک ها بود. در گزارش دیدیم که بین امین و تره کی در نحوه برخورد ها تفاوت وجود داشت و دیدیم که شوروی ها طرفدار ساختن زمینه برای لشکر کشی بودند. فرمواوش ننماییم که برای لشکر کشی و اشغال یک کشور اول زمینه سازی مینمایند ، بعدا" برای ان پاسخ از قبل تیار میکنند.

اینک توجه شما را به خواندن بخشهای یک گزارش خیلی سری و بخش خاص که گفتگوی تلفونی کاسیگین و تره کی است جلب مینمایم.

""گفتگوی تلفونی به کمک مترجم:

کاسیگین : به رفیق تره کی بگویند که من میخوام از سوی رفیق بریژنف و اعضای دفتر سیاسی به وی دروهای های فراوان را بفرستم.

تره کی : سپاسگذارم.

کاسیگین : .. رفیق تره کی ممکن است اوضاع افغانستان را شرح دهید

تره کی : اوضاع خوب نیست . رو به خرابی دارد. طی یک و نیم ماه گذشته از سوی ایران نزدیک به چهار هزار نفر نظامی با لباس غیر نظامی به افغانستان فرستاده شده اند. حالا تمام لشکر 17 پیاده به علاوه واحد های توپخانه و دفاع هوایی که به روی هواپیمای ما آتش گشوده اند، در دست آنان است. در شهر جنگ در جریان است.

کاسیگین : تعداد افراد لشکر چند است ؟

تره کی : نزدیک به 5000 نفر، کلیه مهمات و انبارها بدست آنان است.

کاسیگین : آنجا برای شما چند نفر مانده است ؟

تره کی : 500 نفر. آنها تحت رهبری فرمانده لشکر در فرودگاه شهر مستقرند. برای تقویت آنان ما با هواپیما ها از کابل گروه عملیاتی پیاده نموده ایم. این گروه از بامداد امروز آنجا قرار دارند.

کاسیگین:

در میان کارگران ، شهر نشینان و کارمندان هرات، آیا کسانی هستند که از شما پشتیبانی کنند ؟

تره کی : پشتیبانی فعال از سوی مردم شهر دیده نمیشود. مردم کاملاً زیر تاثیر شعار ی شیعیان مانند " سخنان بیخدایان را باور نکنید و به سوی ما بیائید " قرار گرفته اند. تبلیغات بر این پایه مبتنی است..

کاسیگین : جمعیت هرات چند است ؟

تره کی : حدود 200 تا 250 هزار نفر . مردم با در نظر داشت تحول اوضاع عمل میکنند. هر جاکه آنرا بکشانند، به همانجا می روند. حالا آنها از جانب مقابل پشتیبانی میکنند.

کاسیگین : شما دور نمای اوضاع را در هرات چگونه می بینید؟

تره کی : فکر میکنم که امروز شام یا فردا صبح هرات سقوط میکند و کاملاً به دست مخالفان خواهد افتاد.

کاسیگین : آینده را چگونه پیش بینی میکنید؟

تره کی : ما معتقدیم که مخالفان واحدهای تازه ای را تشکیل داده و به پیش روی ادامه خواهند داد.

کاسیگین:

شما نیرو ندارید که آنان را شکست بدهید ؟

تره کی : کاش می داشتیم...

کاسیگین : شما در رابطه به این مساله چه پیشنهاد هایی دارید؟

تره کی : ما خواهش میکنیم که شما به ما کمکهای عملی ، انسانی و تسلیحاتی کنید.

کاسیگین : این مساله خیلی دشوار است.

تره کی : در غیر این صورت شورشیان به سوی قندهار حرکت کرده و پس از آن به سوی کابل خواهند آمد. ایران و پاکستان روی یک برنامه برضد ما عمل میکنند و به همین خاطر اگر شما حالا به هرات ضربه بیاورید، ممکن است انقلاب را نجات بدهیم.

کاسیگین : جهانیان همه از این کار آگاه خواهند شد. شورشیان دستگاه مخابره دارند ، آنها فوراً اطلاع خواهند داد.

تره کی : تمنا میکنم ، کمک کنید.

کاسیگین : ماباید در باره این مساله رایزنی کنیم.

تره کی : تا شما مشورت کنید ، هرات سقوط خواهد کرد و آنگاه درد سرهای بزرگتری هم برای اتحاد شوروی و هم برای افغانستان به بار خواهد آمد....

کاسیگین : هرگاه به شما سریعا تعداد بیشتر هواپیما و جنگ افزار بدهیم ، شما نمیتوانید ، واحد های تازه ایرا آرایش بدهید ؟

تره کی : اینکار زمانی زیادی را در بر میگیرد ، اما هرات از دست میرود.

کاسیگین:

شما چه عملکردها یا اعلامیه هایی ایرا از ما توقع دارید ؟ دیدگاه های شما در باره این مساله در عرصه تبلیغات چگونه است ؟

تره کی : باید کمکهای تبلیغاتی و عملی را باهم توام ساخت . من پیشنهاد میکنم تا شما به روی تانک ها و هواپیماهای خود علایم افغانی بزنید . هیچ کسی چیزی نخواهد دانست . نیروها را باید از جانب تورغوندی و کابل به هرات سوق داد.

کاسیگین : تا کابل باید راه پیمود.

تره کی:

تورغندی خیلی به هرات نزدیک است ، اما میتوانید سربازان را با هواپیما به کابل بفرستید . هرگاه شما سربازان تان را به کابل بفرستید و انها از کابل به هرات فرستاده

شوند ، به عقیده ما هیچ کسی چیزی نخواهد دانست . همه فکر خواهند کرد که آنها سربازان دولتی افغانی اند.

کاسیگین:

هرگاه ما با هواپیما برای شما سریعاً "زره پوش ، خمپاره انداز و مهمات لازمی بفرستیم ، شما متخصصانی که بتوانند این سلاح هارا استعمال کنند ، پیدا خواهید توانست ؟

تره کی:

من به این سوال نمی توانم پاسخ دهم ، تنها مشاوران شوروی میتوانند پاسخ بدهند.

کاسیگین:

یعنی میتوان چنین دانست که افغانستان کادرهای مجرب نظامی یا ندارد یا بسیار کم دارد اما در اتحاد شوروی صد ها افسر افغانی دوره های آماده گیرا گذرانده اند. این همه افسر کجایند؟

تره کی : بیشترشان مسلمانان ارتجاعی اند، به آنها نمیتوانیم تکیه کنیم، به آنها اعتماد نداریم.

کاسیگین:

نفوس کابل حالا چند نفر است ؟

تره کی:

نزدیک به یک ملیون نفر.

کاسیگین:

هرگاه برای شما سریعاً" با هواپیما اسلحه بفرستیم شما نمی توانید پنجاه هزار سرباز دیگر
گرد بیا ورید؟ چند نفر میتوانید جمع کنید ؟

تره کی:

ما میتوانیم تعدادی را جمع کنیم. در قدم اول از میان جوانان ولی برای آنکه آنانرا
آموزش بدهیم ، زمان درازی لازم است.

کاسیگین:

شما نمیتوانید دانشجویان را جمع کنید ؟

تره کی:

ما میتوانیم در باره دانشجویان و دانش آموزان کلاسهای یازدهم و دوازدهم صحبت کنیم .

کاسیگین:

از طبق کارگر نمی توانید جمع کنید؟

تره کی:

طبقه کارگر در افغانستان بسیار کوچک است.

کاسیگین:

کشاورزان فقیر چه ؟

تره کی:

ما میتوانیم تنها بر دانش آموزان ، دانشگاهیان و تعداد کمی هم کارگران حساب کنیم. ولی آموزش آنان داستان درازی دارد ، اما هرگاه لازم باشد، ما به هر اقدامی دست خواهیم زد.

کاسیگین:

ما تصمیم گرفته ایم به گونه‌ای رایگان ، عاجل به شما جنگ افزار بفرستیم و هواپیماها و هلی کوپتر های شمارا باز سازی کنیم. همچنان تصمیم گرفته شده است تا به شما صد هزار تن گندم تحویل داده شود و بهای گاز صادراتی شما را از 21 دلار در برابر هر هزار متر مکعب به 82،37 دلار بالا ببریم.

تره کی : خیلی خوب ، اما باید در باره هرات صحبت کنیم.

کاسیگین : بیایید شما نمیتوانید حالا چند لشکر از میان پیشگامانی که شما میتوانید به آنان اعتماد کنید ، نه تنها در کابل ، بلکه در دیگر جا ها هم تشکیل دهید. اسلحه لازم را ما برای شما می دهیم.

تره کی:

ما کادرهای افسری نداریم . پاکستان هم افراد و افسران خود را به لباس افغانی می فرستد.

چرا اتحاد شوروی نمیتواند از بیکها، تاجیکها و ترکمن هارا به لباس غیر نظامی بفرستد ؟ زیرا کلیه اقوام در افغانستان شناخته شده هستند. اگر جامه ء افغانی بپوشند و نشا نه های افغانی به آنان زده شود ، هیچ کس نخواهد دانست . به نظر ما اینکار بسیار آسان است. نظر به تجربه پاکستان دیده شده که این کار بسیار آسان است.

کاسیگین:

...البته شما مساله را دست کم میگیرید. این یک مساله بسیار پیچیده سیاسی و بین المللی است. ما بار دیگر راجع به آن مشورت میکنیم و به شما پاسخ می دهیم. من فکر میکنم

که بر شما لازم خواهد بود که واحد های تازه تشکیل بدهید. زیرا تنها به نیروی اشخاصیکه از بیرون می آیند ، نه میتوان تکیه کرد. شما با توجه به تجربه انقلاب ایران می بینیدکه چگونه توده ها توانستند امریکایی ها و آنانی را که تلاش

می ورزیدند خود را نگهبانان ایران بنمایانند ، از انجا بیرون بیاندازند. به هر حال به شما چنین قرار میگذاریم. مشورت میکنیم و به شما پاسخ میدهیم. و شما در کشور خود با نظامیان خود و مشاوران ما مشورت کنید. در افغانستان نیروهایی هستند که شما را با به مخاطره انداختن زنده گی خود ، حمایت میکنند و به خاطر شما مبارزه میکنند. این نیروها را باید همین حالا مسلح ساخت.

تره کی : زره پوشها را با هواپیما بفرستید.

کاسیگین:

شما برای راندن این ماشینها پرسنل دارید ؟

تره کی : برای 30 – 35 ماشین راننده داریم.

کاسیگین:

آنها افراد مطمئنی هستند؟ همراه با ماشین بسوی مخالفان نخواهند رفت ؟ رانندگان ما زبان شما را نمی دانند.

تره کی:

شما ماشینها را با رانندگانی که زبان میدانند ، بفرستید. تاجیکها و ازبیکها همزبان ما هستند.

کاسیگین:

من چنین پاسخی را از شما انتظار داشتم. ما رفقای شما هستیم و مبارزه مشترکی را به پیش میبریم. از اینرو نباید از یک دیگر دور شویم. ما به شما باز هم تلیفون خواهیم زد و دیدگاه های خود را به شما خواهیم گفت.

تره کی:

درودها و آرزوهای نیک ما را به رفیق بریژنیف . اعضای دفتر سیاسی برسانید.

کاسیگین:

متشکرم. به تمامی رفقای تان درود برسانید. برای شما قاطعیت در حل مسایل، اعتماد به نفس و بهروزی آرزو میکنم. به امید دیدار".

(7)

خوانندگان عزیز و ارجمند!

این هنوز گوشه ای از گزارش مستند از اسناد سری و محرم شوروی بخاطر زمینه سازی برای آمدن شوروی است. تره کی که در رادیو و تلویزیون های کابل و افغانستان میگفت:

"با زور پرولتاریای شمشیر بدست انقلاب کرده است" " دو مرحله تاریخی را پشت سر گذاشته است " " انقلاب ثور بعد از انقلاب اکتوبر دومین و بزرگترین انقلاب دنیا است " و هوادانش او را " نابغه شرق " " جسم و روح حزب " میدانستند و تا چنان هنوز میدانند .

از همین تره کی خواندیم که نه اعتماد به کارگر داشت، از نام دهقان طفره میرفت ، حتی اعتماد به افسران تحصیل کرده در شوروی نداشت و از رهبران شوروی خواهش و تمنا مینمود که برایش اسلحه، نفر و سپاهی روان کنند تا شورش بیست هزار نفری را در هرات و... سرکوب نمایند.

زهی به این نابغه شرق!

هر که نیاموخت از روزگار

نیاموزد از هیچ آموزگار

اینک بایست بدانیم که سرنوشت قوای ایالات متحده امریکا و متحدینش در افغانستان و منطقه چگونه خواهد گردید ؟

مردم افغانستان به چه آینده ای سزاوار اند ؟

صلح دایمی یا جنگ دوامدار و همه جانبه ؟

ازادی یا اسارت ؟

نا برابری یا عدالت اجتماعی ؟

استبداد یا دموکراسی ؟

دولت و امارت اسلامی یا دولت منتخب در همین برهه زمان ؟

و دهها پرسش دگر !

یار زنده و صحبت باقی.

ماخذ و پاورقی ها:

1 - مقدمه کتاب ارتش سرخ در افغانستان نوشته بوریس گروموف . ترجمه عزیز " اریانفر "

- 2 صفحه های یک و دو همان کتاب.

- 3 صفحه سوم کتاب ارتش سرخ نوشته گرومکوف

- 4 از صفحه های سوم تا پنجم همان کتاب

- 5 به صفحه های شش و هفت همان کتاب مراجعه گردد. در ضمن بخاطر بسپارید که برای پاسداری از مرزها ده ملیون ربل اختصاص داده شد. تا پایان داستان حضور شوروی این اختصاص ها به چند هزار ملیون دالر میرسد و بخاطر مرزها! اما در

کنفرانس لندن جانب روسیه ادعای ده میلیارد دالر قرض بالای افغانستان نمود و قرار است که در کلوپ پاریس در اینمورد صحبت و معامله صورت گیرد. فاکت هارا جمع آوری نماییم.

*نکات بالائی دال براین اندکه روسها امروز از زیر بار پرداخت تالوان و غرامات جنگی فرار کرده و در عوض آن ده میلیارد دالر باج میگیرند. اگر این جملات مرا وزیر کنونی یا آینده خارجه کابینه حامد کرزی میخواند ، باید متوجه باشد که گپ از چه قرار است و در کلوپ پاریس چگونه برخورد باید کرد.

6-همان کتاب از صفحات پنجم تا هفدهم.

7-از صفحه 17 تا 24 کتاب ارتش سرخ نوشته بوریس گروموف – ترجمه عزیز"اریانفر".